



زیبایی‌شناسی در آرای ابن هیشم و کمال‌الدین فارسی

دکتر حسن بلخاری آملی

به مناسبت چهلمین سال تأسیس دانشگاه در کرمان
و سال جهانی نور و کاربردهای آن (۲۰۱۵ میلادی)
و برگزاری همایش بین‌المللی ابن هیشم و نور

سرشناسه: بلخاری قهی، حسن، ۱۳۴۱ -
عنوان و نام پدیدآور: زیبایی‌شناسی در آرای ابن هیثم و کمال‌الدین فارسی /
حسن بلخاری قهی،
مشخصات نشر: کرمان: دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری: ۱۷۹ ص.: مصور؛ ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.
فروست: انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان؛ ۳۸۹.
شابک: 978-600-201-038-4

وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
یادداشت: بخشی (مدخل ابن هیثم) از کتاب حاضر ترجمه کتاب
"عیون الانباء فی طبقات الاطباء" اثر ابن ابی‌اصیبه است.
یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۶۷ - ۱۷۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.
عنوان دیگر: عیون الانباء فی طبقات الاطباء.
موضوع: ابن هیثم، محمد بن حسن، ۳۵۴ - ۴۳۰ ق. - زیبایی‌شناسی
موضوع: کمال‌الدین فارسی، ابوالحسن، - ۴۷۳ ق. - زیبایی‌شناسی
موضوع: زیبایی‌شناسی
شناسه افزوده: ابن ابی‌اصیبه، احمد بن قاسم، ۶۰۰ - ۶۶۸ ق.
شناسه افزوده: انتشارات شهید باهنر کرمان
رده بندی کنگره: QA۱۴۱/۸۱۴
رده بندی دیویی: ۵۱۶/۰۲
شماره کتابشناسی ملی: ۳۹۸۸۲۰۳

زیبایی‌شناسی در آرای ابن هیثم و کمال‌الدین فارسی

تألیف دکتر حسن بلخاری قهی

ناشر: انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۴

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۸۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۰۱-۰۳۸-۴

ISBN: 978-600-201-038-4

کلیه حقوق برای دانشگاه شهید باهنر کرمان محفوظ است.

فهرست مطالب

۶	تصویر معکوس خورشید در حالت کسوف جزئی؛ ساخته ابن هیثم
۷	طلیعه
۹	پیشگفتار
۱۹	مقدمه
۴۳	فصل اول
۴۳	زیبایی از منظر صاحب المناظر
۴۳	الف: زندگی و آثار ابن هیثم
۴۸	ب: شکار ابن هیثم؛ المناظر
۵۳	ج: نظر حای در کیفیت و ماهیت ابصار (دیدن)
۷۶	د: مسا و مفهوم: نمایی (الحسن) در المناظر
۹۹	فصل دوم
۹۹	زیبایی از منظر نقاش "مناظر"
۹۹	الف: مفهوم زیبایی در تزیین مناظر کمال الدین فارسی
۱۰۶	ب: کمال الدین و قطب الدین
۱۱۷	فصل سوم
۱۱۷	متن اصلی بحث ابن هیثم، باب زیبایی
۱۱۷	به زبان اصلی (عربی) و انگلیسی
۱۲۹	Beauty in The Optic of Ibn al Haytham (Almanazir)
۱۴۱	ضمیمه: ترجمه فارسی مدخل ابن هیثم از عزمین اندلسی طبقات الاطباء
۱۴۱	ابن هیثم (د: ۴۳۰ ه.ق. / ۱۰۳۹ م.)
۱۴۲	دیدگاه مهندسی ابن هیثم
۱۴۴	رونویسی کردن کتاب‌ها
۱۵۱	کتاب‌های ریاضی ابن هیثم
۱۵۳	کتاب‌های طبیعی و الهیات ابن هیثم
۱۸۶	سی کتاب جالینوس
۱۶۷	منابع و مراجع
۱۶۷	منابع عربی
۱۶۸	منابع انگلیسی
۱۶۹	منابع فارسی
۱۷۲	مقالات

طلیحه

در سال ۱۳۸۷ و ذیل مجموعه‌ای موسوم به «حکمت و هنر» در فرهنگستان هنر ایران، رساله مختصری با عنوان معنا و مفهوم زیبایی در المناظر و تنقیح المناظر توسط این جانب تألیف و به چاپ رسید.

آنچه اینک از نظر محترم شما می‌گذرد در مبنای همان تحقیق اول است اما در تدرج و بسیر، کتابی دیگر، زیرا در بازنگری که به مناسبت سال ۲۰۱۵ میلادی، سال حجتی نور و بزرگداشت هزارمین سال انتشار کتاب المناظر ابن هیثم صورت گرفت، متن چنان بسط و شرح یافت که حتی عنوانی دیگر طلکید: زیبایی‌شناسی در آرای ابن هیثم و کمال‌الدین فارسی، عنوانی رساتر و به جهان، فلمرو زیبایی‌شناسی نزدیکتر و مأنوس‌تر.

در این تجدید تألیف، متن پیشین مورد بازبینی قرار گرفته و بسیاری از نکات و مواردی که در آن مُجمل و گذرا بیان شده بود، اینک شرح و بحثی تفصیلی یافت ضمن اینکه قرائن و شواهد کامل‌تر و مستدل‌تری نیز به متن اضافه گردید. همچنین متن اصلی بحث ابن هیثم در باب زیبایی (متن عربی) همراه با متن انگلیسی آن جهت استفاده هرچه بیشتر محققان و پژوهشگران ضمیمه کتاب گردید.

ضمن سیاس و قدردانی از شورای علمی کنگره «ابن هیثم و نور» و مسئولان محترم دانشگاه شهید باهنر کرمان که به مناسبت برگزاری چنین همایشی، پیشنهاد چاپ دوم این کتاب را ارائه فرمودند، امید اینکه چنین آثاری در تبیین ایده زیبایی‌شناسی اسلامی مفید و مثمر ثمر باشد، انشالله.

حسن بلخاری قهی

دانشگاه تهران

شهریور ۱۳۹۴

www.ketab.ir

پیشگفتار

تerry Allen در کتاب پنج مقاله در هنر اسلامی^۱ که در سال ۱۹۸۸ منتشر شد نوشت: «در هنر اسلامی هیچ چیز اسلامی وجود ندارد» و یا «نظر طنزآمیز»^۲ را می‌توان در هنر اسلامی را مسلمانانی اختیار کردند که خبر نداشتند که این نظر چه بهانه عمیقی در دیدگاه کاملاً فرهنگی غرب نسبت به شرق دارد.^۳ «البس گایه» نیز در کتاب هنر عرب (۱۸۹۳ میلادی) هنر اسلامی را هنری مابین رنژاد (و نه آموزه‌های دینی) می‌دانست و مورخانی همچون لوئیس ریگل^۴ در کتابی تحت عنوان کیفیت سبک (۱۸۹۳ میلادی) نقوش هنری اسلامی (اسلامی و در فرهنگ غربیان، عربانه) را صرفاً تزئینی می‌دانستند. بدین معنا که این نقوش روایت‌گر هیچ معنا و مفهومی نیستند.^۵ نجیب‌اوغلو استاد دانشگاه هاروارد و مؤلف کتاب طومار توقفاپی، هندسه و تزئین در

1 Terry Allen, *Five Essays on Islamic Art*, Solipsist Press, 1988.

۲ هندسه و تزئین در معماری اسلامی، نجیب‌اوغلو، ترجمه قیومی بیدهندی، ص ۱۲۲.

۳ همان، صص ۸۹ و ۹۳.

معماری اسلامی^۴ نیز که تاریخ هنر و معماری اسلامی را همراه با آرا و نظرات مطرح شده پیرامون آنها مورد شرح و بررسی قرار می‌داد، اولین نظریه‌ها پیرامون نظام‌مند کردن تئوریک هنر و معماری اسلامی (که از سوی اندیشمندانی موسوم به سنت‌گرایان)^۵ صورت گرفته بود را به این دلیل که آرای ایشان مبتنی بر وقایع و جزئیات تاریخی نبوده و فاقد روش تاریخی‌اند مردود شمرد و نهایت آرای آنان را آرای زرق‌زدگانی دانست که بی‌مهابا دریافت‌های خود را بر مسائل تاریخی هنر اسلامی انطباق نموده و وحدت اصولی هنر اسلامی در همه زمان‌ها و مکان‌ها را نتیجه گرفته‌اند.^۶

آرای فوق‌الذکر که تنها نمونه‌هایی از نظرات مطرح شده پیرامون ماهیت هنر و معماری اسلامی است فی‌نفسه بیانگر این معناست که هنر اسلامی، در یکی دو سده اخیر هزار مورد این نقد و نقض قرار داشته که علی‌رغم شکوه و عظمتش، فاقد نظریات و تئوری‌هایی در جهت تدوین مبانی و بنیادهای نظری خویش بوده است. فقدان منابع از یک‌سو و تأثیرپذیری هنر اسلامی از تمدن‌هایی چون

4. *The Torkapi Scroll, Geometry and Ornament in Islamic Architecture*, The Getty Center for the History of Art and the Humanities, distributed by Oxford University Press, 1995.

۵ عنوان سنت‌گرایان به کسانی چون رنه گنون، فریتوف شوآن، کومارا سوآمی، مارتین لینگز، تیتوس بورکهارت، دکتر سیدحسین نصر و ... اطلاق می‌شود.

۶ پیرامون آرای فوق و نقد آنها رجوع کنید به کتاب حکمت، هنر و زیبایی، مقاله «مناقشه در وجود و ماهیت هنر اسلامی»، حسن بلخاری، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم،

ایران، یونان، روم و بیزانس از دیگر سو شاید مهمترین ادله ناقدان و منتقدان هنر اسلامی باشد. هر دو عامل نیز واقعیت‌های غیرقابل انکار تاریخ هنر اسلامی هستند اما تفسیر و تحلیل آن، و مهمتر استنتاج و استنباط نتایجی چون نتایج فوق‌الذکر، به شدت جای تأمل دارد.

صادقانه اذعان می‌کنیم در تاریخ هنر و معماری اسلامی تقریباً هیچ متن ثانویه و مستقلی با هدف شرح و تبیین بنیادهای تئوریک هنر و معماری نگاشته نشده است. چنانکه ذکر شد این اعتراف صریح ماست اما مفسران نیز در صحت این نظر تأکید داریم که بنا به دلایلی، نمی‌توان از چنین معنایی، همان نتایجی اخذ کرد.

می‌پذیریم که در رشته‌هایی چون موسیقی و معماری که مستقیم در جان فلسفه قرار داشتند ریشه‌های فلسفی، قطعاً در تیررس نظریه‌پردازی قرار می‌گرفتند (در همین زمینه دلباش شاهکارهایی بی‌نظیر و بی‌بدیل در عرصه فلسفه موسیقی اسلامی افریزند). رساله‌های بزرگانی چون فارابی و ابن‌سینا - و یا رساله‌هایی که کنونی پیرامون هندسه کاربردی نگاشت و به‌دست بزرگانی چون بوزجانی به نقل رساله‌هایی چون *المنازل فیما یحتاج الیه کتاب و العمال من علم الحساب* از بامید)، در رشته‌های دیگر هنری چون هنرهای سستی و تجسمی مانند نظریه‌پردازی یا تدوین و تألیف رساله‌ها هستیم. تاریخ هنر ما چنین امری را به صراحت نشان می‌دهد، اما تمامی تاریخ هنر اسلامی را منحصر کردن به چنین فقری و چشم پوشیدن از آرای گران‌قدری که فلاسفه و حکمای اسلامی، در مباحث بنیادینی چون خیال، مثال، رنگ و تخیل

آفریده‌اند، خود ظلمی است آشکار و خطایی غیرقابل جبران. این آرا گرچه با قصدی دیگر (تبیین مبانی الهیات اسلامی) ارائه شده‌اند لکن چنان بدیع و خلاقانه بوده‌اند که اندیشمندان بزرگ معاصری چون ژیلبر دوغان^۷ (متفکر بزرگ فرانسوی) را به چنین اعترافی وادارند: "با سپری شدن دوران تاریک و دردناک جنگ جهانی دوم هیچ‌گونه توهم فلسفی نمی‌توانست در ذهن من، به عنوان یک نو-استاد جوان در رشته فلسفه و افسر سابق جنبش مقاومت پایدار مانده باش. همه نظام‌های زشت فلسفی برادرکشی غرب در حال شکست خوردن به ... در سال ۱۹۶۲ بود که در پایان یکی از اجلاس‌های «آلبوم‌های بین‌المللی سمبولیسم»، به گونه‌ای واقعاً غیرمنتظره و تصادفی اما بسیار تعیین‌کننده، به لغت عده‌ای از دوستانم و به ویژه خانم مؤلف کتابی بنام پیام‌آور با هاند، که بر آثارش آشنا شدم. مطالعه کتاب او بنام تخیل خلاق در تصوف ابن‌عربی به اولین چاپ آن چند سال پیش در سال ۱۹۵۸ منتشر شده بود، در آن اثنا صاعقه‌ای را داشت که با یک کشف حقیقی همراه بود. ناگهان دریافتم من که بیش از ده سال به مطالعه و بررسی نظریه‌های مربوط به حوزه تخیل در مغرب‌زمین پرداخته‌ام، اینک با شرمساری شیداگونه‌ای باید اعتراف کنم که شیخ اکبری پیر، در قرن ۱۲ صاحب نظریه‌ای کامل در مورد تصویر و تخیل خلاق بوده و به تفصیل آن را در سی و چهار مجلد منعکس کرده است.

۷ از سنت‌گرایان فرانسوی و دانشیار دانشگاه لیموژ.

ناگهان دریافتم که در برابر نظریه خیال منعکس در فتوحات مکیه همه پیشرفت‌های روانکاوی عصر ما در حد مطالعاتی ابتدایی و ماقبل تاریخی می‌نماید. دریافتم که در برابر شیخ اکبر اندلسی همه آثار فرویدها، آدلرها، یونگ‌ها (و البته آثار خود من) مانند الفاظ الکس بچه‌گانه‌ای بیش نبوده است. راه نجات‌بخش دمشق، که فیلسوف و عارف اناسی مرا به آن هدایت می‌کرد هجرتی به سوی مشرق انوار بود. سیرت من از این بود که دریافتم فقر فکری زمان ما در برابر غنای یک عصر طلایی که روح پیشرفت آن در قرن دوازدهم است مانند افکاری ابتدایی و مربوط به دوران اقبل تاریخ جلوه می‌کند. این ملاحظه با شناختی که دیرتر کریستیان فیلسوفان قدیم قرون دوازدهم و شانزدهم از قبیل سهروردی و حیدر آملی به امامی داد باز هم تأیید می‌شد.^۸

این اعتراف نشان از قدرت وسیع تئوریک متفکران مسلمان دارد. ابداعات فارابی در کارکرد خیال و محلیه که مرز آن را به جهان فوق‌القدر نیز کشاند (تا وحی و نبوت تبیین عارفانه یابند)^۹ و ابن‌سینا که اولین فیلسوف تمایزگذار میان خیال و تخیل گردید (تاریخ ادب به

۸ مجموعه مقالات دومین هم‌اندیشی تخیل هنری، نشر فرهنگستان هنر، ۱۳۸۸، صص ۱۲۹-۱۳۲.

۹ رک. مقاله «ابداعات فارابی در مفهوم و کارکرد تخیل»، حسن بلخاری، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۵۴، تابستان ۱۳۸۶، صص ۷۵-۹۰.

غلط این افتخار را به ساموئل کالریج انگلیسی می‌دهد)^{۱۰} و آرای شیخ اشراق و مولانا و شیخ اکبر عرفان نظری یعنی ابن عربی، که به تعبیر دوغان عامل هجرت به مشرق انوار بود، همه و همه نشان از نبوغ و ژرف‌اندیشی اندیشمندانی دارد که بدون هیچ تردیدی ابنای اندیشه فلسفی انسان امروز در ساحت عقل اشراقی‌اند.

در آن سو در عرصه رنگ، که خود از جمله بنیان‌های آثار هنری است آرای بن‌رگانی چون نجم‌الدین کبری که جمله‌ای چنین نغز و زیبا در *فوتوح الحیات و فواتح الجلال* خود فرمود: «از این پس راستی‌های مینوی با رنگه بدو سالک» نمایانده خواهد شد زیرا اکنون میان رنگ‌ها و بینش درونی او هم‌نوایی پدید آمده است^{۱۱} و این جمله گوهرین: «واعلم ان المساهده في دول تكون بالصور و الخيال، ثم بالذوات اذا ظهرت الالوان» که نمایانگر دیدن صور و خیالات حسی در جهان ماده و رؤیت رنگ‌های نورانی^{۱۲} و احوال‌های رنگی در عالم ذوات است تا این طریقِ کیمیاگری (به تعبیر خود نجم‌الدین) به استنتاجی چنین انجامد: «نگارگر یا کاشیکار، مادّاتاً ممیّز که منأ، در فرآیند

۱۰ رک. مقاله «بررسی تطبیقی آرای ابن‌سینا و ساموئل کالریج در مورد تمایز میان خیال و تخیل»، حسن بلخاری، *فصلنامه اندیشه دینی*، دانشگاه شیراز، دوره ۸، شماره ۲۷، تابستان ۱۳۸۷ و نیز در کتاب *فلسفه هنر اسلامی*، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۹۲.

۱۱ برای شرح تفصیلی این معنا رجوع شود به مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی، حسن بلخاری، نشر سوره مهر، چاپ سوم، ۱۳۹۰، فصل رنگ و نور.

کیمیای سحر می شود رنگ گزینی اش نمادگر حالتی خاص از آگاهی است. بر همین منوال، یک عارف در طلب تبدل نفس خویشتن است. روش او روش نیل به حالتی از خلوص و سپس درونی گردانیدن آن است. رنگ ها تبدیل به شاخصی می گردند برای عارف تا بدان وسیله مقام نورانی - عرفانی خویش را به داوری گیرد. او فراسوی زمان است و تنها عالم رنگ جهت دهنده سیر و سلوک اوست. عارف، پس از ریاضتی سخت، به توازنی دست می یابد و از راه روش های کیمیایی بسط و قبض و انقباض و انحلال، نفس او دگرگونه می شود.^{۱۲}

این مسیر رنگ و نور را آرای شاگرد بزرگ نجم الدین کبری یعنی نجم رازی که تفاوت منازل سیر را با رنگ ها در *مرصادالعباد* می نمایاند تداوم یافته و تا علاءالدوله سمائی که هفت معنای باطنی را با مفهوم هفت پیغمبر درونی درآمیخته و هفت مرتبه وجودی شکل گرفته از این معنا را با انواری رنگین به تماشا می گذارد (یعنی اینکه عارف باید «بدان رنگ ها نگرش داشته باشد چرا که این رنگ ها به او از حالت مینوی خودش آگاهی می دهد») ادامه می یابد،^{۱۳} تا روزبهان سلم^{۱۴} و آخرین

۱۲ همان.

۱۳ همان.

۱۴ روزبهان ابومحمد بن ابی نصر بن روزبهان بقلی فسایی شیرازی، معروف به «شیخ شطّاح» و «شطّاح فارس» عارف اهل فارس بود. او در سال ۵۲۲ ه.ق. در خانواده ای دیلمی الاصل در فسا به دنیا آمد. این عارف و دانشمند سده ششم و هفتم و از سرسلسله روزبهانیان بوده و دیلمیان مقیم فارس بوده اند و چون در فسا به بقل (سبزی و تره بار)

آنها شیخ محمد کریم‌خان کرمانی^{۱۵} که در *یاقوت‌الحمراء* تعابیر بی‌نظیری از رنگ به ویژه رنگ سرخ ارائه می‌دهد.^{۱۶}

و البته شرح و تأویل بنیادهایی هنری چون تخیل و رنگ، منحصر در این مصادیق نمی‌ماند، در موضوعی چون زیبایی‌شناسی خط نیز آرای اخوان‌الصفا و خلائ‌الوفا در کتاب *الرسائل* بنیان مستحکمی برای

فهرستی از اشعار داشت ملقب به «شیخ روزبهان بقلی» بود. در مکتب به آموختن قرآن پرداخت و در حضور دانشمندان عصر به فراگرفتن علوم متداول مشغول شد. از همان اوان زندگی تمیلات فانی داشت تا اینکه در ۲۵ سالگی از خلق برید و در کوه‌های اطراف شیراز به عبادت و ریاضت پرداخت و حافظ قرآن شد و نزد نخستین مرشد خود، شیخ جمال‌الدین فسائی رشتی، به تحصیل پرداخت.

۱۵ حاج محمد کریم‌خان کرمانی، سومین مقتدای سلسله شیخیه کریم‌خانیه و باقریه که بعد از حاج سیدکاظم رشتی رهبر شیخیه محسوب می‌شود. محمد کریم‌خان فرزند ابراهیم‌خان ظهیرالدوله پسر عم و داماد فتحعلی‌شاه است که حاکم کرمان بود. به شیخ احمد احسانی نیز ارادت داشت، حاج محمد کریم‌خان بعد از فوت پدر به کرمان رفت و با سیدکاظم رشتی ملاقات و در سلک شاگردان ایشان در آمد و به زودی گوی سبقت از بر شاگردان ربوده و مورد مرحمت خاص استاد واقع شد که این موضوع از نامه‌های سیدکاظم رشتی به ایشان کاملاً آشکار است و از استاد خود و بسیاری از علما نیز اجازه‌های متعدد داشت و در زمان استاد و پس از او کتب فراوان که بالغ بر دویست و شصت جلد کتاب است، سیف نمود و در سال ۱۲۸۸ قمری هنگام سفر به عتبات عالیات در سه منزلی کرمان در قریه تهرود وفات نمود. جنازه ایشان نخست به قریه لنگر منتقل شد و پس از چندی به کرمان حمل و در جوار استاد خود در پائین پای شهدا دفن گردید.

۱۶ رجوع شود به مقاله «مبانی عرفانی رنگ در رساله *یاقوت‌الحمراء*»، در کتاب *نظریه اسلامی هنر (قدر)*، نشر سوره مهر، ۱۳۹۴.

بزرگترین خطاطان مسلمان در طی عصور و قرون گردید.

و نیز در مفهوم عالم مثال (که منشأ آثار هنری اسلامی محسوب می‌شود) آرای شیخ شهاب‌الدین سهروردی (شیخ اشراق) که به تعبیر کربن بنیادگذار نظریه عالم مثال در تمدن اسلامی بود و به احتمال قریب به یقین، نظراتش به گونه‌ای غریب در آثار هنری قرون هفتم و هشتم (و پس از آن) تجلی یافت.

اما در مفهوم زیبایی گرچه حکمای مسلمان به تأسی از قرآن صفحات جدیدی بر صیغه زیبایی‌شناسی افزودند، لکن در این میان این‌هیثم و نظریاتش جایگاه برجسته و ویژه‌ای دارند. این کتاب، گرچه به اختصار، شرح آرای او در مورد زیبایی است. امید آنکه دانش‌پژوهان حکمت هنر و زیبایی‌شناسی اسلامی مفید فایده باشد، بعونه تعالی.

حسن بلخاری قهی

فرهنگستان هنر

بهار ۱۳۸۷

مقدمه

عبدالمعید صبره^۱ از یشمند معاصر عرب و استاد دانشگاه هاروارد، در مقدمه خود بر کتاب *الاصطلاح* صبره این هیشم که در سال ۱۹۸۹ از سوی انستیتو واربرگ^۲ در لندن به چاپ رسیده، نظریه وی در مورد زیبایی شناسی نور را مبسوط ترین تعریف زیبایی (الحسن) ^۳ به زبان عربی دانسته^۴ و گیلرو

۱ عبد الحمید صبره (۱۹۲۴-۲۰۱۳)، استاد تاریخ علوم و تکنولوژی در تمدن اسلامی، شاگرد کارل ریمنوند پوپر و استاد دانشگاه هاروارد در سالهای ۱۹۷۰-۱۹۹۶.

2 Warburg Institute.

۳ شگفت این که صبره در کتاب نور، ستاره شناسی و منطق خود در بیان بیست و دو عامل جزئی در ادراک (که این هیشم تفصیلاً از آنها سخن گفته) در همه زیبایی (beauty) در پراکنش به جای حُسن (Hosn) از اصطلاح حَسَن (hasan) استفاده می کند. رک:.

Astronomy, Optics and Logic, A.I Sabra, Variorum, 1994, P.177.

4 This may not be surprising as part of a theory of visual perception, but I. H.'s treatment of the subject is none the less remarkable for its consistent approach. It is also by far the longest discussion of visual beauty in Arabic from an exclusively aesthetic point of view (exception made of some of the many writings on Arabic calligraphy). See *The optic*

نجیب‌اوغلو،^۵ استاد هنر اسلامی همان دانشگاه نیز، این ایده ابن‌هیثم را نظریه‌ای جامع در زیبایی‌شناسی اسلامی تلقی و آن را شرطی لازم برای فهم رخدادهای بصری اسلامی در قرون چهارم و پنجم هجری می‌داند.^۶

همچنین اندیشمندان متبع و محققى چون هانری کربن^۷ و سیدحسین نصر^۸ به تطابق و تناسب علم مناظر با عالم مثال معتقد بوده

of Ibn al Haytham (1989): Ibn AL-HAYTHAM. Books I-III on Direct Vision. Translated with a Commentary by Abdelhanidh N. Sabra. 2 vols. London Warburg Institute (originally titled Kitab al-manazir), II, p. 97.

۵. Gulistan Neşipoğlu، متولد ۱۹۵۶ در ترکیه و مدیر دپارتمان معماری اسلامی دانشگاه هاروارد.

۶. «گذشته از تناسب زیبایی‌شناسی هنر نیز نقش مهمی در تعریف اسلامی زیبایی در قرون وسطی ایفا می‌کند، ازجمله در تعریفی که از کتاب/تیک ابن‌هیثم آمده، که جامع‌ترین آنهاست. این تعریف برجسته روانشناسانه از ادراک بصری به مثابه ارتباط میان عینی و ذهنی، به قول صبره مبسوط‌ترین تعریف زیبایی به زبان غربی است. آن را می‌توان نظریه‌ای در زیبایی‌شناسی تلقی کرد که لازم فهم رخدادهای فرهنگ بصری اسلامی در آن زمان است». هندسه و تزئین در معماری اسلام، گلستان نجیب‌اوغلو، ترجمه قیومی بیدهندی، ص ۲۵۸.

۷. هانری کُربن (یا با تلفظ فرانسوی آنری کوربن) (به فرانسوی: Henry Corbin) زاده ۱۹۰۳ - درگذشته ۱۹۷۸)، فیلسوف، شرق‌شناس، ایران‌شناس، اسلام‌شناس، شیعه‌شناس فرانسوی و استاد دانشگاه سوربن پاریس بوده است. او بخشی از عمر خود را در ایران و خاورمیانه سپری کرد. وی یکی از بزرگترین محققان درباره حکمای مسلمان به ویژه شیخ اشراق است.

۸. سیدحسین نصر (زاده فروردین ۱۳۱۲ در تهران)، فیلسوف و متأله ایرانی و استاد علوم اسلامی در دانشگاه جرج واشنگتن است که مقالات و کتب دانشگاهی بسیاری را به رشته تحریر درآورده است.

و نگارگری ایرانی را در تبعیت از علم مناظر طبیعی، مدیون بزرگانی چون ابن هیثم و کمال الدین فارسی^۹ می‌دانند.^{۱۰}

این نظرات، جایگاه کلیدی و کم‌نظیر نظریه ابن هیثم در تعریف زیبایی از دیدگاه متفکران اسلامی را نشان می‌دهد و این جایگاه نه البته از آرای صبره و اوغلو که از نظرات بدیع ابن هیثم درباره نور و زیبایی حاصل می‌شود.

آرای این دانشمند بزرگ مسلمان در تاریخ علم چنان برجسته و تأثیرگذار است که جرج سارتن،^{۱۱} مورخ تاریخ علم، او را از بزرگترین محققان مبحث نور در همه اعصار می‌خواند^{۱۲} و نویسنده کتاب تاریخ

۹ کمال الدین فارسی یا کمال الدین حسن، پسر علی پسر حسن فارسی یا ابوحسن محمد پسر حسن، زاده ۱۲۶۷ م. و درگذشته ۱۳۰۸ م. شاکرد قطب الدین شیرازی، دانشمند، ریاضی‌دان و فیزیک‌دان برجسته ایرانی در دور طلایی اسلام است. آثار مهم او عبارتند از: رساله تذکره العباب فی بیان التحاب، تنقیح المناظر لذوی الابصار و البصائر و اساس القواعد فی اصول الفوائد.

۱۰ هنر و معنویت اسلامی، دکتر سیدحسین نصر، ص ۱۷۰.

۱۱ جرج آلفرد لئون سارتن (متولد ۱۸۸۴ م. فوت ۱۹۵۶ م.)، یک مورخ - بلژیکی و به تعبیری پدر تاریخ علم است. وی کتاب‌هایی چون تاریخ علم، مطالعه تاریخ علم در سه جلد از مجموعه نه جلدی مقدمه‌ای بر تاریخ علم را به رشته تحریر درآورد. جرج سارتن در نظر برخی پدر تاریخ علم به حساب می‌آید. مقدمه او بر تاریخ علم یک کار بزرگ علمی است که مشارکت‌های علمی و فرهنگی هر تمدن از دوران باستان تا قرن چهاردهم را بررسی می‌کند. وی نویسنده ۱۵ کتاب و بیش از ۳۰۰ مقاله در همین زمینه می‌باشد.

۱۲ جرج سارتن، مقدمه بر تاریخ علم، ترجمه غلامحسین صدری افشار، جلد اول، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۳، ص ۷۰۴.

علم کمبریج، المناظر او را مرتفع‌ترین قله فیزیک مسلمانان^{۱۳} و مصطفی نظیف‌بیک^{۱۴} مصری، از مفسران معاصر کتاب المناظر، ابن هیثم را پیشرو دانشمندان اهل تجربه و آزمایش به معنای دقیق آن دانسته و استفاده از روش‌هایی چون استقراء، تمثیل و قیاس در مسأله نورشناسی و ابصار را (که تأثیری بسیار عمیق بر فرهنگ و تمدن اروپایی گذاشت) گواه دعای خود می‌داند.^{۱۵} تأثیر شگرف او بر طلیعه‌داران رنسانس اروپایی همچون راجر بیکن^{۱۶} که بی‌شک روش پژوهشی او یعنی کاربرد راضیات در پژوهش‌های علوم طبیعی متأثر از تعمق در آثار ترجمه شده ابن هیثم است، خود دلیل دیگری بر پیشتازی صاحب المناظر در

۱۳ تاریخ علم کمبریج، کالین رناب، ترجمه حسن افشار، ص ۳۲۰.

۱۴ محقق و اندیشمند معاصر مصری، استاد دانشگاه قاهره.

۱۵ رک. بند ششم مقدمه مصطفی نظیف بیک در کتاب الحسن ابن الهیثم بحوثه و کشفه البصریه، مطبوعه الاعتماد بمصر، ۱۹۴۳. در کتابخانه دانشگاه تهران دوره دو جلدی این کتاب به شماره ۱۱۵۸۷۷ موجود می‌باشد. نیز نسخه‌ای از آن در کتابخانه مجلس شورای اسلامی. این اثر توسط یکی از دانشجویان دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران و زیر نظر دکتر آذرشب به فارسی ترجمه شده است.

۱۶ راجر بیکن (به انگلیسی Roger Bacon) (۱۲۹۴-۱۲۱۴م)، فیلسوف انگلیسی سده سیزدهم میلادی است که از پایه‌گذاران علم تجربی به شمار می‌رود. وی از دانشمندان علوم طبیعی انگلیسی و پیرو فرقه فرانسیسکن بود که در دانشگاه آکسفورد و پاریس که در آن زمان پایتخت دانش اروپا بود دانش آموخت؛ و گردآوری‌های دانشمندان اسلام و آنچه را که ایشان از کتاب‌های یونانی ترجمه کرده بودند، بازخوانی کرد.

کاربرد روش تجربی در علوم است.^{۱۷} یا به تعبیر عمر فروخ در کتاب تاریخ العلوم عند العرب، بنیانگذار روش علمی جدید: «راهی که ابن هیثم در بررسی نورشناسی گشود همان چیزی است که محققان بعدها آن را روش علمی نام نهادند و این روش همان روش و اسلوبی است که دستاوردهای شکوهمندی را که خرد انسانی در هر میدانی از میادین علم و در هر گرایشی از گرایش‌های زندگی بدان نائل آمده، به بار آورده است. بسیاری از مواردی که به راجر بیکن نسبت داده می‌شود به ویژه اصطلاح پدر روش علمی (بنیادگذاری روش علمی) و نیز ابتکاراتی در باب حقان نورشناسی، همه دریافت‌های او از ابن هیثم است که به فرهنگ اروپایی منتقل کرده؛ نکته‌ای که دانشمندان غربی بدان اقرار دارند».^{۱۸}

۱۷ «راجر بیکن، دانشمند انگلیسی سده ۱۲ م در تحقیقات علمی خویش از نتایج پژوهش‌ها و آزمایش‌های ابن هیثم استفاده کرده است، کاربرد ریاضیات در پژوهش‌های مربوط به علوم طبیعی، از جمله شیوه‌هایی است که راجر بیکن را پایه‌گذار آن می‌شناسند، در حالی که استفاده از ریاضیات در دانش‌های طبیعی از سوی ابن هیثم به‌ویژه در المناظر و المرايا المحرقة به روشن‌ترین وجه و بسیار جلالت‌تر از آنچه بیکن انجام داده، صورت گرفته است» (ویدمان، II/771) به نقل از معارف ابن هیثم در دائرة المعارف بزرگ اسلامی.

۱۸ «هذه الخطة التي سار عليها ابن الهيثم في معالجة علم الضوء خاصة هي التي سماها الباحثون فيما بعد بالاسلوب العلمي. و الاسلوب العلمي هذا هو الذي ادى الى النجاح الرائع الذي وصل اليها العقل الانساني في كل ميدان من ميادين العلم و في كل منحنى من منحى الحياة. و ان كثيرا مما ينسب الى روجر بايكون خاصة - من انه ابو الاسلوب العلمي و المبتكر لعدد من الاحقايق في علم الضوء - قد اخذه روجر بايكون عن ابن الهيثم فمن قله الى العرب الاربوي، كما قال نقر من علماء الغرب انفسهم: «تاريخ العلوم عند العرب، عمر